



• چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۷۷

حدیث روز

امام حسن (ع): فرومایگی این است که سپاسِ نعمت نگراری.

تحف‌العقول

ذکر روز چهارشنبه
صد مرتبه: یا حی یا قیوم!

در محضر بزرگان

غرض کشف حقیقت است

استاد علی صفایی حائری در باره ویژگی تربیت صحیح معتقدند: معلم (منظور مربی یا هر کسی است که در نظر دارد به کودک چیزی بیاموزد) او را تربیت کند که شامل والدین، معلم و... می شود، به محصل صمیمانه تفهیم کند که غرض کشف حقیقت است اگر چه بر له یا علیه خود معلم یا شاگرد باشد. اظهار نظر دانش آموز را جدی بگیرد و اهمیت بدهد، اگر چه غلط باشد تا او احساس کند که هم قدرت نظر دادن دارد و هم حق آن را. شاگرد نباید احساس کند که معلم به حرف ها، حرکات و خواسته ها و زندگی او بی تفاوت است.

بر گرفته از: «تربیت کودک»

حکایت

هیچ نگفتم!

طایفه ای به نماز جماعت حاضر بودند. یکی از ایشان سخنی گفت، دیگری به ملامتش برخاست که سخن گفتنی و نمازت باطل شد. یکی دیگر بخندید که نماز هر دو نقص یافت. دیگری گفت نماز هر سه بطلان پذیرفت چه هر سه سخن گفتند، چهارمین گفت منت خدای را که من هیچ نگفتم!

بر گرفته از «پریشان» قاتی

شعر طنز

درمان پریشانی!

سحر بهجو

آمده عید و پریشان می شوم
باز هم غمگین و گریان می شوم
راه حلش همسرم، دشوار نیست
با خرید البته درمان می شوم!

قرار مدار



اندکی صبر

ماه آرام

فتی معطوفی

در دورترین مرز جهان دور، به هنگامه تاریک می رفت می رفت در آن ماه بزرگی آرام، خاموش، پنهان ز ره خویش ...



دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج | قایق رانی در خیابان های سیل زده، ایالات متحده

کار یکلماتور



منتخب چی شده؟

له کردن سیگار برای برداشتن پسته!



ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. پیامک های بی ربط و بی نام و بی مزه متاسفانه حذف شدن. چندتا از جمله های بانمک تر و انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.
* احتمالا شنیده فروشگاه موش یخ زده آورده، داره میره که به صف برسه!
* + با یااا... بدو بیایه صف اونجاست - بدو پسرم... برای من و داداش هات صف بگیر اومدیم!
* وقتی منتظری اول برج برسه و حقوق یک و پونصدی رو لطف کنن بریزن واست، بعد داری معادلات چند مجهولی تو ذهنت حل می کنی که باهاش چه کارها می تونی بکنی!
* وقتی تیپ جالبی زدی و روی فرش قرمز داری راه میری! فرهاد دوست علی *
* رفته بانک وام از دواج بگیره، پرو بالش رو هم ازش گرفتن! محمد قربانی مقدم *
* وقتی می خواهی تو عرصه تجارت معامله با پایای کنی! محمدرضا صدقیان *
* وقتی تغییر نرخ ارز قیمت موش نروژی رو برده بالا! علی مختاری، نیشابور *
* وقتی داره میره ببینه اون طرف خیابون صف چی کشیدن! یگانه خداداد پور *
* وقتی کف خانه از دور یک چیزی رو مثل پسته می بینی!
* غلامرضا قلیپور، به آباد *
* خانم شب شد، نمی خوای دست از خرید برداری؟ گشنه مون شد والا!

حسین سیر کنندگان
* وقتی پشت سر هم تو مسابقه «چی شده» شرکت می کنی ولی پیامت رو چاپ نمی کنن و میری حسابت رو با «زندگی سلام» صاف کنی! علی شاهرخی
* یک گام بلند برای رسیدن به مرغ یارانه ای! دانیال و مبینا گرایلی
* وقتی مردها منتظر خانم شون هستن تا برن مهمونی! نعمت رنجبر
* وقتی به علت گرونی گوشت، بعضی به فکر شکار پرنده ها افتادند و اونا مجبور شدن مثل آدماراه برن تا به عنوان پرنده شکار نشن!
* سید حسین آروند
* وقتی میگن توی این گرونی باید برای از دواج یا پیش بذاری!

فائزه کهن شهری
* وقتی عید شده و همه رفتن مرخصی و تو باید تو پادگان رژه بری نگهبانی بدی!
حسین یزدانی حصاری
* گوشت گرون شده، ماهی ها کجا رفتن؟! عباس یعقوبی
* خانم جغد شاخ دار عزیزم، این هم آخرین سیگاری که کشیدم زیر پام له می کنم تا دیگه این قدر تگی بوی سیگار میدی!
* سه، چهار... ستون دوم هم اینجا بذار اوستا، پر ایدم تا اینجا میاد. کانال کولر رو جلوی ماشین بذار، لوله بخاری رو هم این کنار!
رضا عرب، روستای زوزن

سه نقطه



گاردین | زیبایی های طبیعت

تایخند

• خونه تکونی تو خونه ما همیشه دقیقاً از جایی شروع میشه که من نشستم دارم استراحت می کنم!
• اگه خواستین از خونه تکونی فرار کنین، اول بزنین چند تا از ظرف ها و وسایل خونه رو بشکنین، بعدش دیگه بهتون کار نمیدن... البته تضمین نمی کنم که بلایی سر خودتون نیارن!
• من اگه تو بر نامه «عصر جدید» با جارو ویولن می زدم آخرش سوار جارو می شدم پرواز می کردم می رفتم!
• میگه کمپین راه انداختیم آجیل نخیریم. کار بزرگی نکردی، چون بخوای هم نمی تونی بخری!
• بعضی ها دور بین عکاسی می خرن که با گوشی از خودشون و دور بین شون عکس بگیرن!
• خاطره انگیزترین رنگ تمام دوران سبز پسته ای کمرنگه، یعنی از یخچال و چرخ گوشت و آبمیوه گیری بگیر تا در و دیوار و کمد همه چی این رنگی بودن!

دور دنیا

فناوری نانو برای دید در شب موش ها



ایند پندنت- متخصصان دانشگاه علم و صنعت چین با استفاده از فناوری نانو قابلیت دیدن در محدوده مادون قرمز را برای موش ها به وجود آوردند، مانند زمانی که از عینک دید در شب استفاده می شود. پس از تزریق، موش ها شروع به دیدن نور نامرئی نزدیک محدوده مادون قرمز کردند. به گفته دانشمندان با کمک این فناوری، روزی انسان هانیز می توانند قدرت دید قوی در شب پیدا کنند و به راحتی در تاریکی ببینند. آن ها همچنین معتقدند با گسترش دید طبیعی، این تکنیک حتی می تواند به عنوان درمان برای افرادی که کور رنگ هستند، سازگار باشد.

صخره طلایی بر لبه پر تگاه

پلنت- در ساحل جنوبی میانمار، روی صخره ای معبد «باگودا کیا اکتیو» قرار گرفته است. این صخره با ارتفاعی حدود ۸ متر و قطر ۱۵ متر، بر لبه پر تگاهی می درخشد و در واقع جنس آن از گرانیت است که با صفحاتی از طلا پوشانده شده

است و وزنی حدود ۱۱۵ تن دارد. راه رسیدن به این صخره به دلیل مسیرهای کوهستانی سخت است و فقط با پای پیاده امکان پذیر است، اما این مسئله مانع باز دید گردشگران نشده است. بر اساس برخی تحقیقات، این گوی طلایی در ابتدا بخشی از کوه بوده و به مرور زمان از آن جدا شده و بدون هیچ تکیه گاهی تعادل خود را حفظ کرده است. در روزهای پر باز دید سال، دسترسی از نزدیک به این صخره طلایی از طریق حصار ها ممنوع می شود و حتی باز دید کنندگان قبل از ورود، تفتیش می شوند تا ابزار تیز و برنده برای کندن طلا همراه خود نداشته باشند.

طوطی های معتاد، بالای جان کشاورزان هندی



دیلی میل- زمین های خشکاش در هند هدف حمله طوطی های معتاد به مواد مخدر قرار گرفته است! به گفته کشاورزان، دسته بزرگی از طوطی ها حدود ۳۰ تا ۴۰ بار در روز از این گیاهان تغذیه می کنند. کشاورزان مجبورند شب و روز نگهبانی دهند و با صدای بلند و عجیب آن ها را بترسانند، اما هیچ فایده ای ندارد. عجیب این جاست که پرندگان در دسته های زیاد معمولاً پر سر و صدا هستند اما این طوطی ها خیلی هوشمندانه در سکوت مطلق به محصولات آسیب می زنند.



فرانس پرس | تلفیق مسابقات اسکی و اسب دوانی، کلودو

تفال

سپهر بر شده پرویزی است خون افشان

کهریزه اش سر کسری و تاج پرویز است

عراق و فارس گرفتگی به شعر خوش حافظ

بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

از اون لحاظ

سفید برفی و پسر وزیر دانا

مهرشاد مر تصوی | طنز پر داز

سفید برفی دختری بود به سفیدی برف و با چشمای عسلی و روی زیبا و اصلا کیس از دواج! بعدشم قضیه سبب و جادو گر و شاهزاده و این داستانا که خودتون بهتر از من در جریانین. اما موازی با این داستان، پادشاه یا همون پدر سفید برفی وزیری داشت که وزیرش پسری داشت باسواد، عاقل، کوشا، باهوش و خلاصه بسیار حرص در آر. بعد از این که شاهزاده اومد و با گفتن «سلام؛ روزتون به خیر. عرضی داشتم،» سفید برفی رو از خواب بیدار کرد و ناگهان عاشق هم شدن، قرار شد به زودی به عروسی مفصل برگزار کنن و این دو گل نوشکفته به هم برسن. شما هم بزنین دست کشنگه رو به افتخار شون. خلاصه زمان عروسی مشخص شد و همه چی رو آماده کردن. کارت دعوت که به دست پسر وزیر دانا رسید، یهو قرمز شد، سیاه شد، بنفش شد، به خواهش خواهر و سطیش صورتی شد، همه رنگا رو به دور چرخید. مادرش اومد یه لیوان آب داد دستش و گفت: «چرا حرص می خوری پسرم؟ باز جراید تتری، چیزی درباره وزیر زاده هان ز؟» پسر وزیر گفت: «نه مادر من. بعد از این همه زحمتی که پدرم کشیده، تو کارت زده از کودکانه دلبنده شما در فرصت دیگری پذیرایی خواهد شد. دیگه چه فرصتی؟ حالا که من و خواهرام عروسی نمیریم، نمی ذارم شما هم برین.» مادرش که می دونست پسرش از این که نتونسته با سفید برفی از دواج کنه ناراحته، لیخندی ز دورفت.

به پادشاه خبر رسید که همچین اتفاقی افتاده. پادشاه و هیئت همراه رفتن در خونه وزیر و شروع کردن در دلجویی از وزیر و پسرش. پادشاه گفت: «بابا اشتباه پیش اومده. باور کنین ما می خواستیم برای بچه ها بلیت شهر بازی بگیریم که به اونا هم خوش بگذره. اصلاً تقصیر این ملیجک یا بوئه، من کی گفتم بنویسه در فرصت دیگر پذیرایی خواهد شد؟» بعد هم یکی زد تو سر ملیجک بدبخت که اصلاً سواد نداشت، چه برسه به این که بخواد کارت دعوت بنویسه.

خلاصه هر طوری بود وزیر و همسرش و پسرش و خواهرانش رو راضی کردن و اونا هم آشتی کردن. از همه بچه ها هم به خوبی پذیرایی شد و اونا هم از پنجره برای بقیه بچه هایی که دعوت نشده بودن استخون مرغ پرت کردن که در شادی شون شریک باشن. سفید برفی و شاهزاده هم به خیر و خوشی مزدوج شدن و سال های سال به کشور های خارجی سفر کردن و استوری گذاشتن و چشم عوام بیچاره رو در آور دن. پسر وزیر هم با دختر و کیل از دواج کرد و اونا هم خوشبخت شدن.

نتیجه این که اگه کسی رو دوست دارین زود پا پیش بذارین و اگه مجلس می گیرین بچه ها رو هم دعوت کنین دیگه.

یادش به خیر



ماوشما

راه‌ار تباطای ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

• آقای محمد پور، طنز شما در باره خانه تکانی را خواندیم و حال کردیم! تأمل بر انگیز بود.
• آق کمال؛ ماهی شب عیدت رو گرفت؟!
• آق کمال: از حالا؟ هم خراب مره، هم منتظر شاید آرزون بره!
• مطلب آشنایی های قبل از از دواج آموزنده بود. باید جوانان را آموزش داد، خام هستند. من چند مورد را می شناسم که از طریق فضای مجازی همسر انتخاب کردند و در

خیابان هم را دیدند و جدا شدند!
• نوشته و تصویر مربوط به خبر فرهاد مجیدی خیلی خوب بود، ما که استقلال می هستیم کلی خندیدیم. ممنون.
• همسر عزیزم فرشته جان، پیشاپیش تولدت را تبریک می گویم و از خدا می خواهم حضورت در خانه و کنار من و دختران و دامادها و نوه‌ها من همیشگی باشد.
ایرج